

چنان قفلم که دیده نمی شوم

مجموعه شعر

مسعود کریم خانی (روزبهان)

برگرفته‌هایی از چند دفتر شعر

۱۳۸۵ تا ۱۳۷۰

چاپ اول

۱۳۸۶

سرشناسه: کریم خانی، مسعود.
عنوان و پدیدآور: چنان ققلم که دیده نمی شوم: مجموعه شعر /
مسعود کریم خانی (روزبهان).
مشخصات نشر: تهران: آهنگ دیگر، ۱۳۸۵.

مشخصات ظاهری: ۱۱۲ ص.
شابک: 964-8433-32-6 : 978-964-8433-32-1

یادداشت: فیبا

موضوع: شعر فارسی - - قرن ۱۴.
رده بندی کنگره: ۱۳۸۵ - ۹ - ۹۲۴۵ / PIR۸۱۸۴
رده بندی دیویی: ۸۱۳/۶۲

شماره کتابخانه ملی: ۴۱۹۳۹-۸۵م



چنان ققلم که دیده نمی شوم
مجموعه شعر
مسعود کریم خانی (روزبهان)
مدیر هنری و طراح جلد: فرزاد ادیبی
حروف چینی و صفحه آرایی: لیلا شقاقی
شمارگان: ۱۱۰۰ جلد
چاپ اول: ۱۳۸۶
اینوگرافی: فام - چاپ: حیدری
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۸۴۳۳-۳۲-۶
۹۶۴-۸۴۳۳-۲۱-۱

همه حقوق متعلق به مؤسسه انتشاراتی آهنگ دیگر است.

مؤسسه انتشاراتی آهنگ دیگر

E-mail: ahang_e_digar@yahoo.com

تلفن: ۸۸۸۹۷۹۷۰

فهرست

۹	قیقاج بال گمشدگی
۲۹	بر منظر پیل مغبون
۴۵	شعرهایی که شاعرشان را گم کرده‌اند
۵۷	باید روایت می‌کردیم
۷۹	چنان قفل‌م که دیده نمی‌شوم
۹۵	رسم تحریر صدا

... من فکر می‌کنم شعرهای من، بدبخت‌ترین شعرهای دنیا هستند. تقریباً هیچ‌کدام از آن‌ها به موقع خودشان منتشر نشده‌اند، و این در حالی است که خود من پیوسته در حال تغییر جا بوده‌ام، و در این تغییر جا، اگر خواسته‌ام منتشر نشده‌ام، بی‌راحتی را منتشر کنم، آن چیزی را منتشر کرده‌ام که متناسب شرایط فکری من در آن لحظه بوده است. لاجرم، بیش‌ترین شعرهای من قربانی شده‌اند؛ قربانی این تغییر فکر، یا این وسواس، نمی‌دانم.

بیش‌تر شاعرانمان خیالشان از این جهت آسوده است. آن‌ها، یک دوره‌ی شعری بیش‌تر ندارند: یک چیزی را در عالم شعر پیدا می‌کنند و عمرشان را صرف جا انداختن آن یک چیز می‌کنند، مثل نادرپور، و یا شاملو، و یا سپهری. این‌ها، وقتی به شعر پیش‌ترشان فکر می‌کنند، مثل این است که به شعر اکنونشان فکر کنند. همه‌ی آن شعرها را هم می‌توانند در یک دفتر، و در کنار هم چاپ کنند، بی‌آن که اتفاق نگران‌کننده‌یی بیافتد، و کاظم امیری نامی هم، افراد نخواهد گرفت که «آمدن آن شعرها در کنار یکدیگر، به دفتر شعرشان لطمه زده است».

شاعرانی هم هستند که شعرشان را، دوره‌های گوناگون هنری می‌سازد، یا دقیق‌تر بگویم، در شعرشان دوره‌های گوناگون هنری می‌سازند. هم‌چون فروغ و رؤیایی و من. کسانی هم‌چون فرخزاد و رؤیایی، اقبال این را داشته‌اند که هر دوره از شعرشان را در همان دوره ارائه دهند. فکر کنید اگر کتاب «عصیان» یا «دیوار» به موقع خودش منتشر نمی‌شد، فروغ «ایمان بیاوریم به آغاز فصل سرد»، چه رفتاری ممکن بود با آن‌ها داشته باشد؟ لایب، آن‌ها را پاره می‌کرد و به دور می‌ریخت، و در این میان، اهل کتاب و اهل پژوهش بود که مقبوض می‌شد ...

بخشی از نوشت و نویس با کاظم امیری

برگرفته از کتاب

«قتاری در متافیزیک کلمه»